



Foundations and Factors Contributing to the Permanence of the Islamic Republic of Iran

Mostafa Ghorbani ^{1*}

Received on: 01/06/2023

Accepted on: 10/11/2023

Abstract

Foreign pressures, along with inefficiencies, have been significant factors in the country's political landscape for over a decade, impacting various aspects of Iranians' political and social lives. However, despite these challenges, the ruling political system has managed to sustain itself. Therefore, the primary question of this study is: How has the Islamic Republic been able to maintain its stability and longevity in the face of external pressures and internal inefficiencies? It is assumed that the Islamic Republic of Iran, in addition to its success in institution-building, possesses sufficient reserves of support that it has been able to rely on, despite external pressures and inefficiencies, to maintain its longevity. Utilizing Huntington's systemic theory and institutional approach as a theoretical framework, the findings indicate that the Islamic Republic has managed to endure despite external challenges and operational weaknesses. This resilience can be attributed to the quality of the establishment of the Islamic Republic, which has addressed the gaps between religion and state as well as the concept of the nation-state. Furthermore, its governance strategies—such as the continuation of popular political mobilization following the revolution, reliance on domestic support, and the establishment of revolutionary institutions—along with its relative efficiency in key areas, have enabled it to accumulate the necessary reserves of support. On the other hand, due to its extensive experience in successfully adapting to crises, its strong functional adaptability, structural diversity, independence from social groups, and cohesion—particularly during challenging times—it possesses a relatively high level of institutional strength that ensures its continuity and survival.

Keywords: Islamic Republic, Permanence, Efficiency, Internal Reliance, Popular Political Mobilization.

1*. Assistant Professor of Political Science, Shahid Mahallati University of Islamic Sciences, Qom, Iran. (Corresponding Author: mahboub1395@gmail.com)



بنیان‌ها و عوامل ماندگاری جمهوری اسلامی ایران

مصطفی قربانی^{*۱}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۹

چکیده

فشارهای خارجی در کنار ضعف‌های کارآمدی از مهمترین واقعیت‌های سپهر سیاست کشور در بیش از یک دهه گذشته است که در ابعاد و حوزه‌های مختلف حیات سیاسی اجتماعی ایرانیان را متأثر ساخته است، اما با وجود این، نظام سیاسی حاکم بقای خود را حفظ کرده است؛ بنابراین، سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که جمهوری اسلامی با وجود فشارهای خارجی و نقص‌های کارآمدی چگونه توانسته است پایداری و بقای خود را حفظ کند و ماندگار بماند؟ فرض بر آن است که جمهوری اسلامی ایران علاوه بر موفقیت در نهادسازی، دارای ذخایر حمایتی کافی است که با اتکا به آن‌ها، با وجود فشارهای خارجی و نقص‌های کارآمدی، توانسته است ماندگار بماند. با مبنا قرار دادن نظریه سیستمی و رهیافت نهادی هانتینگتون به عنوان چارچوب نظری، این یافته‌ها به دست آمده که جمهوری اسلامی با وجود فشارهای خارجی و ضعف‌های کارآمدی توانسته است ماندگار بماند؛ زیرا کیفیت تأسیس جمهوری اسلامی (با توجه به حل نسبی شکاف‌های دین و دولت و دولت-ملت)، راهبردهای حکمرانی (تداوم بسیج سیاسی مردمی پس از پیروزی انقلاب، اتکا به درون، تأسیس نهادهای انقلابی) و کارآمدی نسبی آن در برخی حوزه‌های اساسی سبب شده که ذخیره‌های حمایتی لازم را کسب کند و از سویی، با توجه به تجربه‌های متعدد در سازگاری موفق با بحران‌ها، قدرت بالای تطبیق‌پذیری کارکردی، اختلاط ساختاری و استقلال در برابر گروه‌های اجتماعی و انسجام به‌ویژه در برهه‌های بحرانی، قدرت نهادی نسبتاً بالایی دارد که تضمین‌بخش ماندگاری و بقای آن است.

واژگان کلیدی: جمهوری اسلامی، ماندگاری، کارآمدی، اتکا به درون، بسیج سیاسی مردمی.

(صفحه ۱۱۱-۱۳۴)

*۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه علوم اسلامی شهید محلاتی (ره)، قم، ایران.

(نویسنده مسئول: mahboub1395@gmail.com).

مقدمه

جمهوری اسلامی ایران در حالی ۴۶ سال از حیات خود را طی کرده که تاکنون با فشارها و بحران‌های متعدد داخلی و خارجی روبرو شده است. درواقع، جمهوری اسلامی در حالی ماندگار مانده است که به مدت بیش از یک دهه است که فشارهای خارجی در بی‌سابقه‌ترین حالت آن علیه ایران اعمال شده و نقص و ضعف‌هایی هم در کارآمدی این نظام در مقایسه با گذشته نمایان شده است.

در تمهیدی تاریخی می‌توان گفت که اگرچه از ابتدای تأسیس نظام جمهوری اسلامی، فشار خارجی از ناحیه جنگ تحمیلی علیه این نظام وجود داشته و همین مسئله، چالش‌هایی برای کارآمدی نظام در پی داشت، اما با توجه به گسترش روحیه ایثار و فداکاری ناشی از شرایط انقلاب و جنگ و همچنین، گسترده نبودن نظام نیازهای شهروندان و... تقاضاهای چندانی متوجه حکومت نبود و بنابراین، چالش‌های کارآمدی چندان در ارزیابی شهروندان لحاظ نمی‌شد.

در برهه بعد از جنگ، با توجه به ایجاد آرامش و ثبات در کشور و از سویی، افزایش سطح رفاه، به‌تدریج، نیازهای شهروندان متنوع شده و آن‌ها تقاضاهای فراوانی را متوجه حکومت می‌کردند و حکومت هم کم و بیش در پاسخگویی معتبر به تقاضاهای متعدد شهروندان کارآمد بود تا این‌که با فلج‌کننده شدن تحریم‌های ضدایرانی و اعمال فشارهای سخت علیه دولت و ملت ایران، به‌تدریج چالش‌هایی در روند پاسخگویی حکومت به تقاضاهای شهروندان رخ داد.

نکته مهم در این زمینه آن است که اساساً اتخاذ سیاست اعمال فشار به جمهوری اسلامی ایران در قالب «تحریم‌های فلج‌کننده» معطوف به از بین بردن عوامل ماندگاری و بقای جمهوری اسلامی ایران است که در این زمینه، با وجود ایجاد چالش‌هایی برای زندگی و معیشت مردم و تضعیف کارآمدی نظام، اما طرف‌های خارجی از تحقق اهداف خود در قبال جمهوری اسلامی ناکام مانده‌اند. با توجه به آن که در برهه کنونی نیز جنگ ترکیبی دشمنان معطوف به از بین بردن عوامل ماندگاری و بقای انقلاب و نظام اسلامی است، سؤال این است که جمهوری اسلامی چگونه و بنا به چه منابع و متغیرهایی، با وجود فشارهای خارجی و نقص‌های کارآمدی توانسته است ماندگار بماند؟ با استخراج مؤلفه‌های ماندگاری نظام‌های سیاسی و تطبیق این مؤلفه‌ها بر جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌شود تا به این سؤال پاسخ داده شود.

الف - پیشینه پژوهش

با وجود اهمیت موضوع ماندگاری جمهوری اسلامی ایران، اما این موضوع چندان از سوی پژوهشگران مورد مذاقه علمی قرار نگرفته است. برخی از معدود آثار موجود در این زمینه عبارت‌اند از: یزدخواستی و اخوان مهدوی (۱۳۹۰)، در مقاله «بازخوانی انقلاب اسلامی ایران با تأکید بر راز ماندگاری و پویایی انقلاب»، راز ماندگاری انقلاب اسلامی را در مهدویت و تلاش جهت آمادگی برای ظهور و تشکیل حکومت جهانی امام عصر (عج)، در کنار ماهیت توحیدی این انقلاب می‌داند. قربانی (۱۳۹۵) در کتاب «ماندگاری انقلاب اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری»، به گفتمان ماندگاری انقلاب اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری پرداخته و دل‌های این گفتمان را شامل؛ اقتصاد مقاومتی، استکبارستیزی، مقابله با نفوذ و انقلابی‌گری تعریف کرده است. حاجی‌زاده (۱۳۹۶)، در مقاله «راهبردهای مانایی و ماندگاری انقلاب اسلامی» به نقش عواملی چون مردم‌سالاری دینی، وحدت ملی، نفی سلطه‌پذیری و قانون‌گرایی در ماندگاری انقلاب اسلامی پرداخته است.

جمال‌زاده، باباهادی و فیضی (۱۳۹۷) در مقاله «مؤلفه‌های مانایی انقلاب اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)»، با روش تحلیل مضمون، چهار مضمون سازمان‌دهنده اصلی که در ماندگارسازی انقلاب اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری نقش محوری دارند را شامل؛ اسلام، رهبری، مردم و کارآمدی می‌دانند.

اسماعیلی (۱۴۰۲) در کتاب «دلایل پایایی و دوام انقلاب اسلامی ایران» به بررسی دلایل ماندگاری انقلاب اسلامی ایران، با وجود فشارها و مشکلات، از دیدگاه مقام معظم رهبری پرداخته است. با توجه به آنچه گفته شد، آثار موجود ضمن اینکه به طور عمده به تحلیل عوامل ماندگاری انقلاب اسلامی ایران از دیدگاه مقام معظم رهبری پرداخته‌اند، رویکردی پیشینی در تحلیل این موضوع اتخاذ کرده‌اند؛ یعنی ماندگاری انقلاب و نظام جمهوری اسلامی را به طور عمده به عوامل اندیشه‌ای و معرفتی و نقش آن‌ها در ایجاد و تثبیت انقلاب منوط دانسته‌اند؛ بنابراین، نوآوری پژوهش حاضر آن است که با رویکردی مبتنی بر جامعه‌شناسی سیاسی، به طور عمده ماندگاری انقلاب اسلامی را از منظر هست‌ها یا واقعیت‌ها یا به تعبیر دقیق‌تر، کیفیت عملکرد نظام مورد بررسی قرار می‌دهد. هرچند تلاش می‌شود تا از نقش عوامل اندیشه‌ای و معرفتی نیز در این زمینه غفلت نشود.

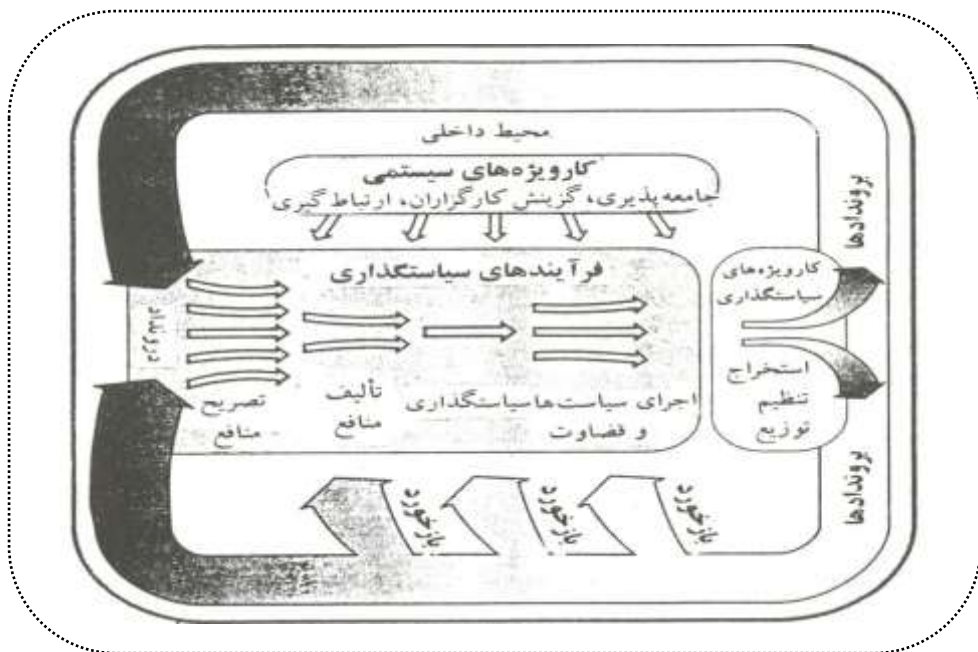
ب- مبانی نظری و روش پژوهش

۱- چارچوب نظری: تلفیقی

چهارچوب نظری پژوهش حاضر تلفیقی است از نظریه سیستمی، با تمرکز بر دیدگاه‌های دیوید ایستون، گابریل آلموند و پاول و رهیافت نهادی ساموئل هانتینگتون؛ زیرا مسئله اصلی برای هر دو نظریه، حفظ تعادل، پایداری و بقای نظام سیاسی است. در ادامه هر یک از این نظریه‌ها تشریح می‌شود.

۱-۱- نظریه سیستمی

براساس شکل زیر می‌توان به توضیح نظریه سیستمی و تشریح چگونگی پایداری و ماندگاری نظام‌های سیاسی بر اساس آن پرداخت.



شکل شماره ۱- تحلیل سیستمی

منبع: (آلموند، پاول و مونت، ۱۳۷۶: ۱۳)

در مرکز شکل، «کار ویژه‌های فرآیندی» قرار دارند که در فرآیند تدوین خط‌مشی‌ها به صورت مستقیم نقش دارند. بر این اساس، آغاز فرآیند سیاسی زمانی است که افراد یا گروه‌هایی خواسته‌های خود را بیان یا تصریح کنند و آن‌ها را در قالب یک راهکار و شعار اساسی تألیف کرده تا موفق به کسب حمایت سیاسی لازم شوند. از این پس با ورود به دستگاه سیاست‌گذاری و پس از تدوین به صورت قانون، اجرایی شده که در صورت مخالفت با آن، باید مورد ارزیابی قرار گیرد (آلموند، پاول، مونت، ۱۳۷۶: ۱۴-۱۲).

کار ویژه‌های سیستمی نیز اگرچه به طور مستقیم در تدوین و اجرای سیاست‌های عمومی دخالت ندارند، اما تعیین‌کننده تغییر یا حفظ وضع موجودند و شامل؛ جامعه‌پذیری، گزینش کارگزاران و ارتباط‌گیری سیاسی است (آلموند، پاول، مونت، ۱۳۷۶: ۱۴). کار ویژه‌های سیاست‌گذاری نیز معطوف به اثرات اجرای سیاست‌ها بر جامعه، اقتصاد، فرهنگ و... هستند. انجام این کار ویژه‌ها منوط به وجود پنج توانایی نظام سیاسی است که عبارت‌اند از:

- توانایی استخراجی که معطوف به کشف منابع و ظرفیت‌های مادی و انسانی لازم برای تحقق اهداف نظام است.
 - توانایی تنظیمی که مربوط به اعمال نظارت کافی و هماهنگی نظام بر افراد و گروه‌ها است.
 - توانایی توزیعی که بر توانمندی در تقسیم کارها، خدمات، افتخارات و وضعیت‌های موجود در جامعه تأکید دارد.
 - توانایی نمادین (سمبولیک) که معطوف به نشر ارزش‌های سمبولیک در جامعه بوده و باعث کسب حداقل حمایت عمومی از سیاست‌ها می‌شود.
 - توانایی پاسخگویی که بر توانایی در پاسخگویی به تقاضاهای محیطی دلالت دارد (برتران، ۱۳۹۳: ۵۸).
- اگر نظامی این توانایی‌ها را داشته باشد، می‌تواند «عمل تبدیل، تطبیق و تطابق» را انجام دهد؛ یعنی با تبدیل خواسته‌ها به تصمیمات سیاسی، هماهنگی نظام سیاسی با تحولات جامعه همراه شدن جامعه با نظام سیاسی را در پی دارد (Mobus, Kalton, 2015: 225). در این صورت، آن نظام ماندگار می‌ماند؛ بنابراین، یک نظام سیاسی زمانی می‌تواند پایدار و ماندگار باشد که از عهده انجام کار ویژه‌های خود برآید. درواقع، پایداری و ماندگاری یک نظام سیاسی زمانی محقق می‌شود که آن نظام بتواند عمل تبدیل، تطبیق و تطابق را به خوبی انجام دهد. در این صورت، نظام سیاسی توانسته است ورودی‌ها (تقاضاها، حمایت‌ها یا اعتراض‌ها) را تبدیل به خروجی‌هایی کند که آثار آن‌ها در تعامل با

محیط به صورت کالاهای سیاسی شامل؛ رفاه، امنیت، آزادی و عدالت در دسترس مردم قرار می‌گیرد (Almond, Powell, 1966: 422-399). مسئله مهمی که در اینجا باید بدان توجه شود، چگونگی حفظ تعادل و پایداری سیستم است. در این زمینه، نظریه سیستمی، حفظ تعادل و پایداری سیستم‌ها را در گروی تحقق عوامل زیر می‌داند:

- اصل اساسی در تحلیل سیستمی آن است که چنانچه فشارهای وارده از محیط (داخلی و خارجی) زیاد شود، مرزهای نظام به هم می‌ریزد و دچار فروپاشی می‌شود؛ بنابراین، چنانچه فشاری از سوی محیط متوجه نظام نباشد، تعادل و پایداری آن حفظ می‌شود (Easton, 1965: 65).
- به موازات طرح تقاضاها، نظام از حمایت‌های لازم برخوردار باشد. این امر به نظام کمک می‌کند تا در تبدیل تقاضاها به سیاست‌ها، از توانایی کافی برخوردار باشد. در این صورت، کار ویژه‌ی تبدیلی نظام به‌راحتی صورت می‌گیرد.
- نظام از ذخیره‌های حمایتی لازم برخوردار باشد. در این صورت، از یک‌سو نظام هم در مواقع بحرانی و فشار تقاضاها می‌تواند بر این ذخیره‌های حمایتی تکیه کند و هم با وجود این ذخیره‌ها، خود را مجبور به پاسخگویی به همه‌ی تقاضاها نمی‌بیند (نقل از قوام: ۱۳۷۳: ۴۵-۳۴).
- از توانایی‌های پنج‌گانه استخراجی، تنظیمی، توزیعی، نمادین و پاسخگویی برخوردار باشد. در این صورت نیز نظام قادر است تا در فرایند تبدیل تقاضاها به سیاست‌ها قدرتمندانه عمل کند و بنابراین، فشار تقاضایی شکل نمی‌گیرد (آلموند، پاول، مونت، ۲۲۶).

۱-۲- نهادمندی سیاسی از دیدگاه هانتینگتون

هانتینگتون در کتاب «سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی» معتقد است که ایجاد و ابقای یک اجتماع سیاسی دارای سه بعد «توافق قانونی»، «اشتراک سودمند» و «نهادمندی سیاسی» است که منظور از مورد اخیر، بنیادگذاری نهادهای سیاسی است به گونه‌ای که انعکاس توافق اخلاقی و مصلحت متقابل باشند. او در توضیح بعد سوم می‌نویسد که در جوامع پیچیده، اشتراک اجتماعی به نیرو و دامنه نهادهای سیاسی بستگی دارد (هانتینگتون، ۲۱: ۱۳۷۰-۲۰).

منظور هانتینگتون از نهادمندی سیاسی، الزاماً با توسعه سیاسی تطابق ندارد، بلکه دغدغه اصلی وی، توانایی در ایجاد استواری یا ثبات سیاسی و ایجاد یک «سامان سیاسی مشروع» است. به همین دلیل، او میان «صورت حکومت» با «درجه حکومت» تفاوت می‌گذارد و می‌نویسد: «مهم‌ترین تمایز

سیاسی میان کشورها نه از صورت حکومت، بلکه از درجه حکومتشان مایه می‌گیرد» (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۵). درواقع، وی نهادمندی را در قدرت حکومت کردن و توانایی در کارآمدی می‌داند و به همین دلیل، حکومت‌های کمونیستی را به دلیل موفقیت در پایه‌ریزی اقتداری مؤثر می‌ستاید، اما به نقد سیاست خارجی آمریکا بعد از جنگ جهانی دوم می‌پردازد که با وجود توجه به توسعه اقتصادی در کشورهای دیگر، اما از توجه به استواری سیاسی و کاستن از شکاف سیاسی بازمانده‌اند. هانتینگتون چهار ملاک را برای نهادمندی سیاسی ذکر می‌کند که عبارت‌اند از:

۱-۲-۱- تطبیق‌پذیری-انعطاف‌ناپذیری

میان تطبیق‌پذیری و سطح نهادمندی رابطه مستقیم وجود دارد. هانتینگتون سه معیار را برای سنجش قدرت تطبیق‌پذیری نهادی ارائه کرده است:

- هر چه محیط یک سازمان پرفراز و نشیب‌تر و عمر آن بیشتر باشد، تطبیق‌پذیرتر است. بر این اساس، «توفیق در سازگاری با یک مشکل محیطی، راه را برای سازگاری‌های موفقیت‌آمیز با مشکلات محیطی بعدی هموار می‌سازد» (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۲۵-۲۶). در همین چارچوب، با افزایش عمر یک سازمان یا شیوه عمل، سطح نهادمندی آن نیز بالاتر می‌رود. هر چند در مواردی، یک تجربه خاص می‌تواند به جای گذشت زمان عمل کند: «کشمکش‌های حاد و یا مشکلات جدی دیگر ممکن است بسیار سریع‌تر از مواقع عادی، سازمان‌ها را تبدیل به نهاد کنند».
- «پشت سر گذاشتن نسل‌های پی در پی» معیار دیگر تطبیق‌پذیری است. بر این اساس، علاوه بر مسئله جانشینی مسالمت‌آمیز و تجربه رهبری‌های بیشتر، جابه‌جایی در نسل رهبران نیز اهمیت دارد؛ بدین ترتیب که گذار برون‌نسلی رهبران بیش از گذار درون‌نسلی آن‌ها گویای قدرت تطبیق‌پذیری است.
- «تطبیق‌پذیری کارکردی» که عبارت است از توانایی در خلق کارکردهای جدید که می‌توان از آن به «سازگاری با محیط متغیر» هم تعبیر کرد؛ ممکن است در اثر تغییرات محیطی، سازمانی کارکرد اصلی خود را از دست بدهد. حال برای استواری خود باید بتواند کارکردهای جدیدی را متناسب با شرایط جدید برای خود خلق کند. در همین چارچوب، عمر کارکردی یک حزب سیاسی زمانی بیشتر می‌شود که کارکرد خود را از نمایندگی یک دسته از هواداران به دسته دیگر تغییر دهد (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۳۰-۲۷).

۱-۲-۲- پیچیدگی-سادگی

«پیچیدگی به بارآورنده پایداری است». نظام‌های سیاسی که نهادهای گوناگون دارند، تطبیق‌پذیرترند. به باور اندیشمندان سیاسی کلاسیک، حکومت‌های ساده بیشتر در معرض فروپاشی قرار دارند و «دولت‌های مختلط» شانس بیشتری برای بقا دارند. از دیدگاه افلاطون و ارسطو، عملی‌ترین دولت آن است که نهادهای دموکراسی و الیگارشی را توأمان داشته باشد. پولی‌بیوس و سیسرو نیز معتقد بودند که حکومت تنها در صورتی پایدار می‌ماند که عناصری از هر سه صورت خوب حکومتی؛ یعنی سلطنت، اشراف‌سالاری و دموکراسی، در آن موجود باشد (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۳۵-۳۴).

۱-۲-۳- استقلال-تابعیت

در اینجا درجه استقلال یا نفوذپذیری نهادهای سیاسی در برابر گروه‌ها و عوامل غیرسیاسی مطرح می‌شود. در این چارچوب، استقلال به معنای رشد سازمان‌ها و شیوه‌های عمل سیاسی است، به گونه‌ای که آن‌ها نه مصالح و منافع یک گروه خاص، بلکه مصالح و منافع عامه را نمایندگی کنند. علاوه بر این، آسان بودن امکان کودتا و نفوذپذیری کارگزاران سیاسی در برابر تطمیع و رشوه، گویای ضعف استقلال یک نهاد سیاسی است.

قابل ذکر است که در یک نظام سیاسی نهادمند، مشاغل رهبری را کسانی در اختیار می‌گیرند که در شغل‌های کم‌اهمیت‌تر کارآزموده شده باشند. پیچیدگی یک نظام سیاسی با فراهم کردن انواع سازمان‌ها و موقعیت‌های سازمانی که افراد از طریق آن‌ها خودشان را برای سمت‌های بلندپایه آماده می‌کنند، راه را برای استقلال نظام فراهم می‌کند (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۳۸-۳۷).

۱-۲-۴- انسجام-گسیختگی

همچون ارتش‌ها، حکومت‌ها نیز به وحدت، حمیت، اخلاق و انضباط نیاز دارند و همان‌گونه که در جنگ، کاستی در زمینه نیروهای نظامی و جنگ‌افزارها را می‌توان در سایه انضباط و انسجام برتر جبران کرد، در سیاست نیز این‌گونه است. انسجام با استقلال رابطه نزدیکی دارد؛ استقلال هم نظام را قادر می‌کند تا سبک خاصی را بپروراند و هم از کارشکنی نیروهای خارجی جلوگیری می‌کند. گسترش شتابان دامنه عضویت یک سازمان یا اشتراک در یک نظام، انسجام آن‌ها را کاهش می‌دهد (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ۳۹).

با توجه به آنچه گفته شد، ماندگاری یک نظام سیاسی از دیدگاه نهادی دارای حداقل هشت مؤلفه

اساسی است که عبارت‌اند از:

- توانایی سازگاری موفقیت‌آمیز با مشکلات
- طول عمر نهادها
- تجربه کشمکش‌های حاد یا بحران‌های سخت
- گذار مسالمت‌آمیز در رهبری به‌ویژه گذار برون‌نسلی
- تطبیق‌پذیری کارکردی
- اختلاط ساختاری
- استقلال حکومت در برابر گروه‌ها و طبقات اجتماعی
- انسجام یا توانایی در بسیج ظرفیت‌ها و وحدت عمل

۲- روش پژوهش: نظریه مبنا

در این پژوهش از روش «نظریه مبنا» استفاده شده است. مبتنی بر این روش، نظریه مشخصی برای تحلیل مسئله پژوهش انتخاب شده و تجزیه و تحلیل داده‌ها بر مبنای آن صورت می‌گیرد. بر این اساس، با انتخاب نظریه سیستمی و رهیافت نهادی هانتینگتون، تجزیه و تحلیل داده‌ها در قالب این نظریه‌ها صورت گرفته است. مزیت نظریه سیستمی آن است که ماندگاری نظام‌های سیاسی را منوط به عملکرد آن‌ها تعریف کرده و مزیت رهیافت نهادی هانتینگتون هم آن است که اساساً برای تحلیل ماندگاری نظام‌های برآمده از انقلاب‌ها ارائه شده است؛ بنابراین، با مرور این نظریه‌ها و استخراج مؤلفه‌های ماندگاری نظام‌های سیاسی از این نظریه‌ها، صدق یا عدم‌صدق مؤلفه‌های احصا شده در تحلیل عوامل ماندگاری جمهوری اسلامی ایران مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش نیز از مرور نظام‌یافته ادبیات تحقیق، سندپژوهی اسناد و مدارک مرتبط با عملکرد انقلاب اسلامی استفاده شده است.

پ- تحلیل و تبیین داده‌های پژوهش

۱- عوامل ماندگاری جمهوری اسلامی ایران

ماندگاری نظام جمهوری اسلامی ایران در برابر فشارهای خارجی و با وجود نقص‌های کارآمدی،

از یک سو ریشه در ذخیره‌های حمایتی این نظام دارد و از سوی دیگر، ریشه در آفرینش و نهادمندی سیاسی آن دارد؛ بنابراین، عوامل ماندگاری جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در ذیل دو دسته عوامل کلان دسته‌بندی کرد: توانمندی در تأمین ذخیره‌های حمایتی و نهادمندی سیاسی. هر یک از این عوامل در ادامه توضیح داده می‌شود.

۱-۱- چگونگی تأمین ذخیره‌های حمایتی جمهوری اسلامی ایران

ذخیره‌های حمایتی جمهوری اسلامی ایران بنا به دلایل زیر تأمین شده است:

۱-۱-۱- ماهیت تأسیس

نوع و کیفیت تأسیس و بنیان‌گذاری نظام جمهوری اسلامی به گونه‌ای است که در ذات خود تأمین‌کننده‌ی ذخیره‌های حمایتی برای آن است. در این زمینه، حداقل به دو متغیر مهم در کیفیت تأسیس جمهوری اسلامی می‌توان اشاره کرد:

- **حل شکاف دین و دولت:** دولت‌های حاکم بر ایران بعد از عصر صفویه همواره با شکاف دین و دولت یا شکاف علما و شاهان مواجه بوده‌اند (ر.ک: نجف‌زاده، ۱۳۹۵) که این شکاف در جمهوری اسلامی تا حدود زیادی حل و فصل شده است. این موضوع با توجه به بافت مذهبی جامعه‌ی ایران و ضرورت رعایت و پاسداشت آئین‌ها و شعائر مذهبی از سوی نظام، حائز اهمیت است. به لحاظ گفتمان‌های هویتی نیز این موضوع موردتوجه قرار گرفته بود، به گونه‌ای که در گفتمان هویتی «بازگشت به خویشتن» که انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی از دل آن متولد شد، برخلاف نسل اول روشنفکران ایرانی که هویت ایرانی را به گونه‌ای کاهش‌گرانه و مبتنی بر رابطه‌ی حذف متقابل میان عناصر ایرانی و اسلامی هویت ملی، بازسازی کردند، در موج بازگشت به خویشتن، میان عناصر ایرانی و اسلامی هویت ملی، رابطه‌ی هم‌نشینی و دربرگیرندگی متقابل برقرار شد (ر.ک: شریعتی، ۱۳۶۱: ۷۲ و آل‌احمد، ۱۳۴۴: ۲۱ به نقل از بروجردی، ۱۳۷۷: ۱۱۲-۱۱۱). درواقع، برای نخستین بار، با پیروزی انقلاب اسلامی بود که گفتمانی هویتی به منزلت هژمونیک رسید که در آن، هویت اسلامی موردتوجه جدی قرار گرفته بود.

- **حل شکاف دولت-ملت:** بنا به دلایل مختلف، ازجمله ماهیت استیلایی دولت‌ها در ایران، همواره میان دولت و مردم در ایران شکاف وجود داشته است. این شکاف در دوره‌ی پهلوی از یک سو به

سبب هویت‌سازی ایدئولوژیک این رژیم که در تقلید از غرب و مظاهر آن و همچنین، تلاش برای طرد و به حاشیه راندن اسلام و تأکید بر مظاهر فرهنگی-تمدنی ایران ماقبل اسلام نمایان بود (بشیریه، ۱۳۸۳: ۱۳۱-۱۲۵) و از سوی دیگر، به دلیل ماهیت کودتایی و نامشروع رضا شاه و پسرش، بیش از سایر دوره‌ها بروز و ظهور داشت. حال آن‌که جمهوری اسلامی نه ماهیت استیلایی و تغلبی دارد، نه داعیه تقلید از غرب و تحقیر هویت بومی دارد، بلکه اساساً برخاسته از گفتمان «بازگشت به خویشینی» است که خواسته عمومی و گفتمان هژمون به‌ویژه در سال‌های آخر رژیم شاه تا دهه‌ی اخیر می‌باشد، توانسته است بر این شکاف تاریخی جامه عمل بپوشاند. با این حال باید توجه داشت که برجسته شدن و تأکید بر عنصر اسلامیت و در مقابل، تضعیف توجه به عنصر ایرانی‌ت در مقاطعی، سبب تضعیف روابط بخش‌هایی از جامعه با دولت جمهوری اسلامی شده است (ر.ک: نجف‌زاده، ۱۳۹۵). در سال‌های اخیر نیز وقوع و جدی‌تر شدن چالش‌های کارآمدی به‌ویژه در حوزه‌ی اقتصادی-معیشتی، بر نارضایتی‌ها در کشور دامن زده و به مثابه چالشی جدی برای تقویت شکاف دولت-ملت تبدیل شده است.

با وجود این، در نگاهی کلی، متأثر از رفع این شکاف‌ها، ذخیره‌های حمایتی غنی‌ای در اختیار جمهوری اسلامی قرار دارد که مشابه آن در دوره‌ی معاصر و حتی پیش از آن، به‌جز صفویان، وجود ندارد. حل شکاف‌های فوق را می‌توان مهم‌ترین عامل فراهم‌کننده ذخیره‌های حمایتی لازم برای بقای حیات جمهوری اسلامی دانست. هر چند باید توجه داشت که رفع شکاف‌های مذکور در برهه‌ای از زمان، به معنای فعال شدن آن‌ها در زمان‌های دیگر نیست و متأثر از شرایط زمانه، همان‌گونه که در بالا هم اشاره شد، ممکن است وضعیت این شکاف‌ها تغییر کند.

قابل ذکر است که به دلیل همین ماهیت تأسیس، امکان شکل‌گیری جنبش‌های براندازانه قوی در سپهر سیاسی جمهوری اسلامی ایران وجود ندارد. در توضیح باید گفت که جنبش‌های اجتماعی قوی در اثر وجود و هم‌افزایی چهار شکاف عمده شکل می‌گیرند: شکاف ناسیونالیستی-امپریالیستی که زمانی است که نظام حاکم، برآمده از اراده‌ی ملی نباشد، بلکه دست‌نشانده قدرت‌های خارجی باشد و از سوی مردم نماینده دولت‌های خارجی تلقی شود؛ شکاف دین و دولت که زمانی است که حکومت به ارزش‌های دینی جامعه بی‌توجهی می‌کند؛ شکاف دموکراسی‌خواهی-اقتدارگرایی که زمانی شکل می‌گیرد که بخشی از نیروهای اجتماعی با اقتدارگرایی نظام سیاسی حاکم مبارزه می‌کنند و شکاف اقتصادی که این نیز زمانی است که از اوضاع اقتصادی نارضایتی وجود داشته باشد و شکاف فقر و

غنا در جامعه مطرح باشد (Touraine, 1983).

در تطبیق این چهار شکاف با شرایط کنونی ایران باید گفت که شکاف ناسیونالیستی - امپریالیستی اکنون در کشور وجود ندارد؛ زیرا به هیچ وجه نمی‌توان جمهوری اسلامی را دست‌نشانده‌ی قدرت‌های خارجی یا گوش به فرمان آنها دانست. شکاف دین و دولت نیز وجود ندارد. از آنجا که بخشی از اصلاح‌طلبان، نظام را متهم به اقتدارگرایی می‌کنند و خواهان دموکراتیزه کردن نظام هستند (به عنوان نمونه ر.ک: حجاریان، ۱۳۷۹: ۴۸-۴۷)، شکاف دموکراسی‌خواهی - اقتدارگرایی در ایران وجود دارد. شکاف اقتصادی نیز وجود دارد که اتفاقاً از شکاف اخیر قوی‌تر بوده و شمولیت بالاتری هم دارد؛ بنابراین، امکان شکل‌گیری جنبش‌های اجتماعی نیرومند در ایران وجود ندارد؛ زیرا همه شکاف‌های مذکور در ایران فعال نیستند.

۱-۱-۲- راهبردهای حکمرانی

اتخاذ موفق برخی راهبردهای حکمرانی توسط جمهوری اسلامی نیز در تأمین برخی عوامل پایدارساز و خنثی‌کننده‌ی فشارها، تأثیرگذار بوده و در نهایت، به مثابه ذخیره‌های حمایتی در تداوم حیات این نظام تأثیرگذار بوده است. مهم‌ترین این راهبردها عبارت‌اند از:

- **تداوم بسیج سیاسی مردمی بعد از پیروزی انقلاب:** انقلاب اسلامی ایران تنها انقلاب در تاریخ جهان است که با گذشت ۴۶ سال از پیروزی آن، هنوز هویت انقلابی خود را حفظ کرده است (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی). درواقع، انقلاب اسلامی، انقلابی «در حال شدن» است و آرمان‌های آن با پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار و تثبیت نظام جمهوری اسلامی نه تنها به پایان نرسید، بلکه افق‌های جدید و والاتری نیز پیشروی آن ترسیم شد. از این‌رو، رهبران این انقلاب، همواره بر ساری و جاری بودن انقلاب در جامعه و تداوم جوش و خروش روحیه‌ی انقلابی در میان آحاد مردم تأکید داشته‌اند. دقت در این مهم سبب شده که جمهوری اسلامی، ثبات و پایداری خود را، حتی در بحرانی‌ترین لحظات، به حضور مردم در صحنه، به مثابه نوعی راهبرد حکمرانی، گره بزنند. به عنوان مثال، غائله‌ی ۱۸ تیر ۱۳۸۷ و فتنه‌ی ۸۸ با همین راهبرد اتکا به حمایت‌های مردمی شکست خورد؛ به عبارت دیگر، یکی از مهم‌ترین دلایل تداوم حیات جمهوری اسلامی را باید در حفظ «بسیج سیاسی مردمی» در طول ۴۶ سال گذشته دانست.
- **اتکا به درون:** انقلاب اسلامی در شرایطی به وقوع پیوست که متأثر از نظام دوقطبی حاکم بر

روابط بین‌الملل، کسی تصور نمی‌کرد که انقلابی در خارج از قاعده‌مندی‌های این نظام؛ یعنی در عدم وابستگی به یکی از بلوک‌های قدرت شرق و غرب رخ دهد. انقلاب اسلامی نه تنها از این قاعده‌مندی ظاهری به طور موفق عبور کرد، بلکه مدعی ترسیم راه نوینی بر روی بشریت، با تلفیق توأمان آرمان‌های آزادی و عدالت شد. در ادامه نیز چه در مرحله تأسیس نظام سیاسی و چه در مراحل بعدی آن، غرب و شرق را الگوی مطلوب خود ندانسته و پیوسته بر روی ظرفیت‌های درونی کشور تأکید داشته است. درواقع، نقطه‌ی اتکا و امید خود را بر روی استعدادها و ظرفیت‌های درونی کشور قرار داده است و اتفاقاً اگر امروز هم در حوزه‌هایی مانند اقتصاد دچار آسیب است، به خاطر آن است که در این حوزه، به ظرفیت‌های داخلی کشور اعتماد نشده است. توجه انقلاب اسلامی به این مهم در حالی است که در نهضت‌های پیشین، به این عامل توجه نشده بود. به عنوان مثال، دولت دکتر مصدق در حالی با کودتای ۲۸ مرداد سرنگون شد که مصدق، کمک‌های آمریکا را راه‌حل مسائل کشور می‌دانست و حتی پیش از کودتا، یک ماه برای اخذ کمک از آمریکا، با آمریکایی‌ها مشغول رایزنی بود که نتیجه‌ای در برنداشت (ر.ک: کاتوزیان، ۱۳۷۲).

- **تأسیس نهادهای انقلابی:** نهادهای انقلابی به‌ویژه سپاه پاسداران، لنگرگاهی برای حفظ ثبات سیاسی در کشور است. کار ویژه سپاه برای تضمین ماندگاری انقلاب اسلامی به‌ویژه از آن روی حائز اهمیت است که نهضت‌های مشروطه و ملی کردن صنعت نفت به طور عمده به دلیل اختلاف‌های نخبگان داخلی و دخالت‌های خارجی سرنگون شده‌اند. توضیح آن‌که سپاه با نقش‌آفرینی‌های مؤثر و اقتداری که در گام اول انقلاب کسب کرده، هم از یک‌سو در کنار سایر نهادهای نظامی امنیتی کشور، توطئه‌های خارجی علیه انقلاب و کشور را خنثی کرده و هم از سوی دیگر، به مثابه ستون خیمه انقلاب، پشتوانه قابل‌اتکایی برای حفظ انسجام و استحکام نهادها و ساختارهای نظام، علی‌رغم اختلاف‌نظرهای نخبگان سیاسی است (اشرفی، ۱۳۹۹: ۵۲-۵۱). درواقع، هرگاه دامنه اختلافات میان نخبگان سیاسی و تنش‌آفرینی برخی از آن‌ها بالا گرفته، این اختلاف‌ها کشور را به لبه‌ی پرتگاه سقوط سوق نداده است؛ زیرا حضور سپاه پاسداران مانع از تداوم حرکت‌های آسیب‌زای آن‌ها بوده است. علاوه بر این، سپاه در خنثی‌سازی توطئه‌های و دخالت‌های خارجی نیز مؤثر بوده است.

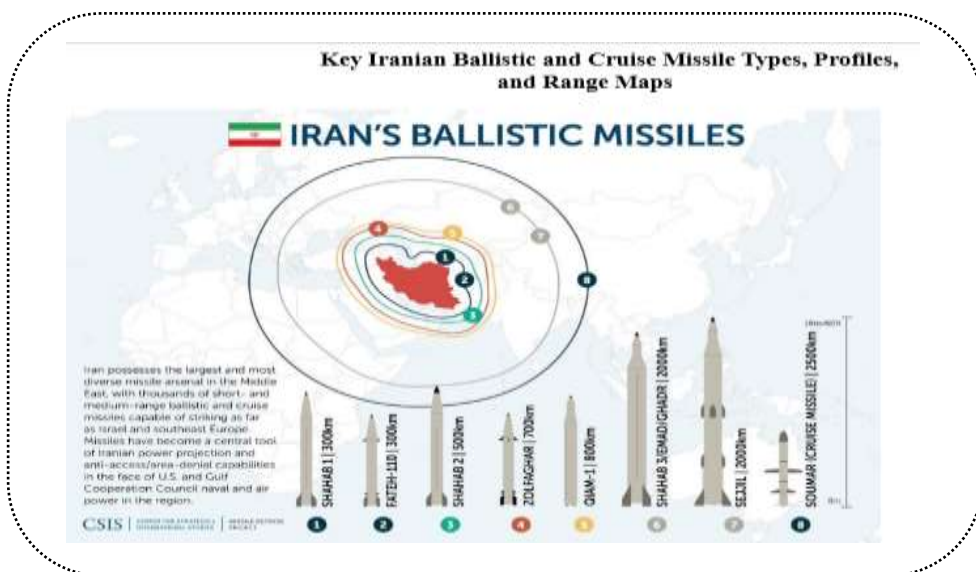
۱-۱-۳- کارآمدی نسبی

کارآمدی نظام‌های سیاسی در بقای آن‌ها تأثیر مستقیم دارد؛ زیرا در صورت کارآمدی، عنصر مشروعیت (ثانویه) حکومت‌ها تأمین می‌شود و در این صورت، دوام و بقای حکومت‌ها تضمین می‌شود (ر.ک: شفیعی‌فر، قربانی، ۱۳۹۵: ۱۹۴-۱۹۲)؛ بنابراین، تحقق کارآمدی در برخی حوزه‌ها نیز در تضمین ماندگاری جمهوری اسلامی تأثیرگذار بوده است. در این زمینه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

- پاسخگویی به نیازها و گمشده‌های تاریخی: علاوه بر موارد پیش گفته، جمهوری اسلامی به برخی از نیازها و گمشده‌های تاریخی ملت ایران نیز پاسخ درخور داده است. ازجمله این نیازها می‌توان به تقویت توان دفاعی و حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور اشاره کرد. ضعف توان دفاعی- نظامی نقیصه‌ای پایدار در تاریخ معاصر ایران بود و یکی از دلایل نقض آسان استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت ملی توسط بیگانگان در برهه‌های متعدد ریشه در این نقیصه داشت. بر همین اساس، تلاش برای تقویت توان دفاعی نیز گمشده‌ای تاریخی و آرمانی دست‌نیافتنی نزد مردم ایران محسوب می‌شد که جمهوری اسلامی به این آرمان پاسخ گفت و امروز بیش از هر زمان دیگری، در سایه اقتدار نظامی- دفاعی کشور، امنیت، عزت، استقلال، صلابت، تمامیت ارضی کشور و... خدشه‌ناپذیر است.

در ارتباط با توان دفاعی جمهوری اسلامی می‌توان به چند نقطه‌ی درخشان اشاره کرد. اولین مورد، توان موشکی است. جمهوری اسلامی ایران با دستیابی به موشک‌های بالستیک و نقطه‌زن، در حیطه‌ای موفق به کسب دستاورد شده که تا پیش از این، انحصاری چند کشور محدود بود. در همین راستا، تأسیسات موشکی زیرزمینی جمهوری اسلامی ایران، یکی از ابعاد قدرت دفاع راهبردی این کشور است؛ زیرا تا پیش از رونمایی کشورمان از سیلوهای پرتاب موشک بالستیک، تنها سه کشور آمریکا، روسیه و چین به عنوان تنها دارندگان رسمی تأسیسات موشک زیرزمینی بودند. قابل ذکر است که جمهوری اسلامی در سطح منطقه غرب آسیا، با داشتن هزاران موشک کوتاه‌برد و میان‌برد بالستیک و موشک‌های کروز، بزرگ‌ترین و متنوع‌ترین زرادخانه موشکی منطقه را دارا است. در شکل زیر، موشک‌های بالستیک ایران نمایش داده شده است (Cordseman, Harrington, slide226).

حوزه‌ی دیگر، قدرت پهپادی و پدافندی است. در حوزه فناوری پهپادی، ایران موفق به ساخت انواع پهپادهای رادارگریز و با مداومت پروازی بالا، مسلح به بمب‌ها و موشک‌های نقطه‌زن شده است. به طوری که امروز جزو پنج کشور مطرح در حوزه پهپادی است. در حوزه‌ی ساخت پهپادهای فوق‌پیشرفته



مدرن نیز ایران رتبه‌ی نخست جهانی را دارد (اکبری، ۱۳۹۳). در حوزه پدافند هوایی هم نیروهای مسلح امروز قادرند انواع سامانه‌های راداری و موشکی را طراحی و تولید کنند و تمامی مراحل آموزش و به کارگیری این سامانه‌ها نیز در کشور صورت می‌گیرد.

توانایی دفاع سایبری نیز از جمله ظرفیت‌های نوظهور دفاعی کشور است، به گونه‌ای که ایران زمره‌ی هفت کشور برتر در حوزه‌ی توان سایبری قرار دارد (Vara, 2017) و به ادعان «بنیاد هریتیج»، ایران چهارمین قدرت سایبری دنیا است (Wood, 2016). متکی به این توانمندی‌ها، امروزه جمهوری اسلامی نه تنها در دفع تهدیدات موفق عمل کند، بلکه در یک نبرد همه‌جانبه و نامتقارن، توانایی پاسخگویی به تهدیدات دشمنان را نیز دارا است.

تمهیدی تاریخی، اهمیت تقویت توان دفاعی را بیش از پیش به ما می‌نمایاند؛ زیرا به واسطه‌ی ضعف تاریخی ایران در حوزه‌ی دفاعی، هرگاه دشمن از ابزار تهدید نظامی استفاده کرده است، نتیجه آن برای ملت ایران، شکست بوده است. به عنوان مثال، در زمان قاجار (دوره محمد شاه) وقتی ایران به سمت هرات لشکرکشی می‌کند، بلافاصله با تهدید نظامی انگلستان مبنی بر پیاده کردن نیرو در خلیج فارس به منظور آزادسازی هرات مواجه می‌شود و در نهایت، دولت وقت ایران، در مقابل فشارهای انگلستان تسلیم می‌شود و با انعقاد قرارداد «پاریس» استقلال هرات از ایران را می‌پذیرد. مورد دیگر، تسلیم دولت ایران در مقابل فشارهای روس‌ها در برهه‌ی بعد از انقلاب مشروطه است.

در مقطع بعدی، ضعف نظامی ایران در برابر بیگانگان منجر به سرنگونی دولت رضاشاه می‌شود؛ زیرا قوای دولتی ایران در شهریور ۱۳۲۰ توان مقابله با نیروهای متفقین نداشتند و در اندک زمانی، متفقین ایران را اشغال کردند؛ بنابراین، ضعف توان دفاعی در ایران معاصر هم عاملی برای شکست نهضت‌های مردمی بوده و هم عاملی برای محدودسازی کنش‌های معطوف به تجلی استقلال و حاکمیت ملی بوده است، اما امروزه در سایه‌ی تقویت روزافزون توانایی‌های دفاعی، ابزار تهدید نظامی از دست بیگانگان خارج شده و دیگر مانند گذشته، آن‌ها با تهدید یا حمله‌ی نظامی نمی‌توانند ایران را وادار به تسلیم کنند.

- حل نسبی بحران‌های توزیع و مشارکت: این دو نقیصه نیز به طور جدی در تاریخ ایران وجود داشته، اما با روی کار آمدن جمهوری اسلامی، مرتفع شده یا اینکه حداقل تلاش‌های زیادی برای رفع آن‌ها صورت گرفته است. خدمت‌رسانی به اقصی نقاط کشور، افزایش سطح رفاه و امید به زندگی، محرومیت‌زدایی در بسیاری از نقاط کشور، کاهش فاصله شهر و روستا با توجه به تلاش برای ایجاد برابری فرصت‌ها و امکانات در نقاط مختلف کشور و... نشان از تلاش‌های بی‌دریغ جمهوری اسلامی برای حل بحران توزیع دارد. در جدول زیر، برخی از اقدامات صورت گرفته در طول ۴۶ سال اخیر که منجر به کاهش شکاف امکانات در کشور شده، آمده است.

جدول شماره ۱- برخی اقدامات توزیعی در دوره جمهوری اسلامی ایران

موارد	قبل از انقلاب	بعد از انقلاب (سال ۱۴۰۰)
برقرسانی	۳/۱ میلیون مشترک	۳۸/۶۱۹ میلیون مشترک
آبرسانی	۲/۷ میلیون انشعاب	۲۴/۰۷۶ میلیون انشعاب
تلفن ثابت	۸۵۰ هزار خط	۳۹ میلیون خط و ۲۰۹ میلیون خط موبایل و ۱۱ میلیون خط اینترنت پرسرعت
جاده	۳۶ هزار کیلومتر	بیش از یک میلیون کیلومتر
راه‌آهن	۴۵۶۵ کیلومتر	۱۵۰۳۷ کیلومتر
نرخ باسوادی	۴۷/۲ درصد	۸۷/۶ درصد (آمار سال ۱۳۹۵)
تعداد پزشکان	۱۵ هزار نفر	۵۲۰۵۰ نفر و بیش از ۳۱۱ هزار نفر پیراپزشک
درصد شهرهای دارای بیمارستان	۳۷ درصد	۹۷ درصد (۱۰۲۰ بیمارستان)

(منبع: سالنامه آماری کشور ۱۴۰۰)

در حوزه‌ی مشارکت نیز باید از نقش‌آفرینی مردم در تعیین مقدرات خود از بالاترین سطوح مانند انتخاب رهبری و رئیس‌جمهور تا سطوح محلی مانند انتخاب شوراهای اسلامی شهر و روستا نام برد که پیش از این فاقد سابقه بوده است. رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی نیز به این نکته تصریح دارند. علاوه بر این، انقلاب اسلامی با براندازی نظام کاست‌گونه سابق و ایجاد نظامی مبتنی بر برابری فرصت‌ها و امتیازات برای شهروندان، در زمینه‌سازی برای رشد و شکوفایی استعدادهای مردمی و ایجاد تحرک اجتماعی نقش‌آفرین بوده است. اگرچه بحران توزیع به طور کامل حل نشده و هنوز هم در داخل کشور نقاط محرومی وجود دارد.

با این حال وقتی از نقش کارآمدی در ماندگاری جمهوری اسلامی بحث می‌کنیم، باید توجه داشته باشیم که این کارآمدی اولاً نسبی بوده؛ یعنی هم مطلق نیست و هم در همه حوزه‌ها نیست و ثانیاً افق‌های طی نشده و راه‌های نرفته زیادی هنوز هم پیش‌روی جمهوری اسلامی وجود دارد که دستیابی به آن‌ها جزو مطالبات در حوزه کارآمدی است مانند عدالت اجتماعی، آزادی در برخی حوزه‌ها (با وجود پیشرفت‌هایی که در این حوزه صورت گرفته است)، برابری فرصت‌ها و

- ظرفیت‌سازی امنیتی در سطح منطقه: تلاش جمهوری اسلامی ایران برای تشکیل محور مقاومت در سطح منطقه و تثبیت و تقویت این محور، نوعی ظرفیت‌سازی امنیتی است که حداقل از سه طریق در ماندگارسازی جمهوری اسلامی تأثیر داشته است:
- تقویت قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی: گروه‌ها و دولت‌های مقاومت در منطقه، به مثابه بازوان منطقه‌ای جمهوری اسلامی، نه تنها قدرت منطقه‌ای ایجاد کرده‌اند، بلکه قدرت بازدارندگی و وارد کردن ضربه متقابل به دشمنان، در صورت تهاجم به منافع جمهوری اسلامی را ارتقا داده‌اند. امروزه این واقعیت در صحنه‌ی منطقه غیرقابل‌انکار است که این گروه‌ها و دولت‌ها، امنیت و منافع جمهوری اسلامی را امنیت و منافع خود می‌دانند و جمهوری اسلامی با اتکا به توان این گروه‌ها و دولت‌ها، می‌تواند با کمترین هزینه، پاسخ‌های محکمی به دشمنان خود بدهد.
- کمک به دور زدن تحریم‌های ضدایرانی: جمهوری اسلامی با اتکا به حمایت‌های گروه‌ها و دولت‌های مقاومت توانسته است در دور زدن بخش مهمی از تحریم‌های ضدایرانی موفق عمل کند. به عنوان مثال، در این زمینه می‌توان به عراق اشاره کرد که با خودداری از همراهی با تحریم‌های ضدایرانی آمریکا، در دوره‌ی فشارهای حداکثری ترامپ، به روزنه‌ای حیاتی برای اقتصاد کشورمان تبدیل شد.

- کمک به تأمین امنیت هستی‌شناختی جمهوری اسلامی و ارتقای آن: امنیت هستی‌شناختی، به زبان ساده، امنیتی است که مرتبط با هویت کشورها است؛ بنابراین، تهدید هستی‌شناختی نیز تهدید هویتی است (ر.ک: فیروزآبادی، ۱۳۸۸). حال از آنجا که از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی یکی از محورهای مهم مواجهه‌ی نظام سلطه برای بی‌اعتبارسازی هویتی جمهوری اسلامی بوده، حمایت جمهوری اسلامی از گروه‌ها و دولت‌های مقاومت و ثمربخشی این امر، خنثی‌کننده‌ی این تهدید هویتی بوده است؛ زیرا نظام سلطه در تبلیغات ایران و شیعه‌هراسانه خود در تلاش بود تا جمهوری اسلامی را نظامی حامی تروریسم و تهدیدی برای امنیت منطقه و سایر مسلمانان نشان دهد، اما افکار عمومی منطقه وقتی حمایت جمهوری اسلامی از گروه‌های مقاومت، اعم از شیعه و سنی را می‌بینند که در راستای مبارزه با تروریسم، اشغال‌گری و دخالت بیگانگان در منطقه است، به دروغین بودن تبلیغات دشمنان اذعان می‌کنند.

۱-۲- وضعیت نهادمندی سیاسی جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی بنا به دلایل زیر، در آفرینش و نهادمندی یک سامان سیاسی استوار موفق بوده است:

۱-۲-۱- تجربیات متراکم در سازگاری موفق با مشکلات

جمهوری اسلامی ایران از ابتدای تأسیس خود تا کنون، با بحران‌های متعدد و متنوعی مواجه شده و با موفقیت از آن‌ها عبور کرده است. اتفاقاً بسیاری از این بحران‌ها، خاص و حاد بوده‌اند، به گونه‌ای که تهدید وجودی را به صورت ملموس ایجاد کرده‌اند مانند جنگ تحمیلی یا حوادث سال ۱۳۸۸. مشکلات دیگر مانند مسئله هسته‌ای نیز اگرچه تهدید وجودی ایجاد نکرده، اما بسیار پیچیده، مبهم و هزینه‌ساز بوده‌اند، اما با وجود این، مکانیسم حل بحران در درون جمهوری اسلامی ایران به گونه‌ای عمل کرده که دامنه تبعات این مسئله را کنترل کرده است (به عنوان نمونه ر.ک: رحیمی، ۱۴۰۰)؛ بنابراین، جمهوری اسلامی ایران در طول ۴۶ سال حیات خود که یک بازه زمانی کمی محسوب نمی‌شود، توانسته است مشکلات گوناگون را حل کند؛ بنابراین، قابلیت تطبیق‌پذیری با مشکلات را دارد.

۱-۲-۱-۲- تطبیق‌پذیری کارکردی بالا

اگرچه کارکردهای متعددی متوجه نظام‌های سیاسی است، اما همواره در میان این کارکردها، یک

یا چند کارکرد بیش از همه اهمیت دارد و تطبیق‌پذیری با آن‌ها بیش از سایر کارکردها اهمیت دارد. بر این اساس، جمهوری اسلامی در تطبیق با کارکردهای مختلف از ابتدای تأسیس تاکنون موفق عمل کرده است. زمانی کارکرد محوری، استقرار قانونی نظام و مبارزه با ضدانقلاب داخلی بود، زمان دیگری، مدیریت جنگ تحمیلی مطرح بود و بعد از آن، مسئله سازندگی به اولویت اول کشور تبدیل شد. در ادامه نیز ضرورت پیشرفت علمی و... مطرح شد که در همه این موارد، جمهوری اسلامی ثابت کرده است که توان بالایی در تطبیق با کارکردهای جدید دارد (ر.ک: شفيعی‌فر، ۱۳۹۱: ۸۷-۸۶)؛ بنابراین، جمهوری اسلامی ماندگار شده است، چون ماشین سیاسی آن در برابر تحولات جدید و کارکردهای نو واپس نمانده است.

۱-۲-۳- گذار مسالمت‌آمیز در رهبری نظام

گذار مسالمت‌آمیز در رهبری نظام یکی از مهم‌ترین نقاط اتکا در ماندگاری جمهوری اسلامی بوده است. درواقع، گذار از رهبری امام خمینی (ره) به آیت‌الله خامنه‌ای یک گذار کاملاً قانونی و مسالمت‌آمیز بود که هیچ هزینه‌ای برای نظام در پی نداشت و بی‌ثباتی ایجاد نکرد. یکی از دلایل این امر، ماهیت این گذار بود که درون‌نسلی بود. نکته مهم در این میان آن است که گذار نسلی در میان کارگزاران نظام نیز در حالی رخ داده که بی‌ثباتی ایجاد نکرده است.

۱-۲-۴- ترکیب مختلط حکومت

در ساختار حکومت جمهوری اسلامی، ترکیب نسبتاً متوازنی از عناصر مختلف الیگارشیک و دموکراتیک دارد که میزان نهادمندی و بنابراین، امکان بقای آن را تقویت کرده است. در این زمینه، به نوشته آرنگ کشاورزیان، «یک شبکه دیوان‌سالارانه پراکنده و دارای تداخل وظایف در ایران وجود دارد که امکان رقابت و گروه‌گرایی را فراهم می‌کند. این امر محصول طراحی قانونی و نهادی نظام است که نهادهای قدرت را در نهادهای جمهوری و نهادهای اسلامی گرد آورده است. چنین ساختاری به ایجاد تعداد زیادی از سازمان‌ها و نهادهای موازی منجر شده است. ... این کانون‌های توازن‌بخش قدرت و اقتدار با مدیریت نزاع درونی مداوم نخبگان، به نظام سیاسی ثبات می‌بخشند» (keshavarzian, 2007: 159).

۱-۲-۵- استقلال در برابر گروه‌ها و طبقات اجتماعی

اگرچه دولت در ایران به دلیل ماهیت رانتیرش، همواره در معرض فشارهای پوپولیستی برای

اتخاذ سیاست‌های بازتوزیعی قرار دارد، اما با توجه به اتکای آن به رانت‌های نفتی، از طبقات و گروه‌های اجتماعی استقلال دارد (دلفروز، ۱۳۹۷: ۳۰۳). همین استقلال، به تقویت انسجام آن به‌ویژه در برهه‌های حساس و بحرانی کمک کرده است. نکته مهم‌تر در این زمینه، همان‌گونه که پیش از این نیز اشاره شد، آن است که جمهوری اسلامی اساساً به جای اتکا به گروه یا طبقه‌ای خاص، متکی به توده‌های مردم است.

۱-۲-۶- انسجام یا توانایی در بسیج منابع و وحدت عمل

این مهم اگرچه در شرایط عادی چندان ملموس نیست، اما در شرایط بحرانی و در برهه‌هایی که نظام احساس خطر می‌کند، به‌خوبی ایجاد می‌شود. به عنوان مثال، می‌توان به انسجام نظام در آشوب‌های سال ۱۴۰۱ اشاره کرد که چگونه هم در سطح داخلی و هم بین‌المللی، با یک انسجام، هم سازمان آشوب را متلاشی کرد و هم حامیان خارجی آشوب را در موضع انفعال قرار داد.

نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر تلاش شد تا به این سؤال پاسخ داده شود که جمهوری اسلامی ایران، با وجود فشارهای داخلی و ضعف‌های کارآمدی، چگونه توانسته است پایداری و بقای خود را حفظ کند؟ با مبنا قرار دادن نظریه سیستمی و رهیافت نهادی هانتینگتون استدلال شد که عوامل تضمین‌کننده ماندگاری جمهوری اسلامی ایران به‌رغم فشارهای خارجی و نقص‌های کارآمدی را می‌توان در تأمین ذخیره‌های حمایتی برای این نظام و نهادمندی سیاسی آن خلاصه کرد.

ذخیره‌های حمایتی برای جمهوری اسلامی ایران به دلایلی چون کیفیت تأسیس جمهوری اسلامی (حل شکاف‌های دین و دولت و ملت)، راهبردهای حکمرانی (تداوم بسیج سیاسی مردمی پس از پیروزی انقلاب، اتکا به درون، تأسیس نهادهای انقلابی) و کارآمدی نسبی آن در برخی حوزه‌های اساسی تأمین شده است. علاوه بر این، سامان سیاسی در جمهوری اسلامی نهادمند و استوار است؛ زیرا این نظام علاوه بر تجربه‌های متعدد در سازگاری موفق با بحران‌ها قدرت بالای تطبیق‌پذیری کارکردی، ساختارش تلفیقی از عناصر متعدد دموکراتیک و الیگارشیک دارد و همچنین، در برابر گروه‌های اجتماعی استقلال نسبی دارد. ضمن این‌که به‌ویژه در برهه‌های بحرانی این نظام به صورت منسجم عمل می‌کند؛ بنابراین، توانسته است ماندگار بماند.

نکته مهم در این زمینه آن است که ماندگاری و بقای حکومت‌ها وابسته به موقعیت و شرایط است؛ بنابراین، پیوسته نیازمند پایش، رصد و آسیب‌شناسی است. درواقع، عوامل ماندگاری هر نظام سیاسی ممکن است در اثر گذر زمان و وقوع برخی چالش‌های عینی، دچار فرسایش، ضعف و شکنندگی شوند. از این‌رو، لازم است تا بنیان‌ها و عوامل ماندگاری جمهوری اسلامی به طور مستمر مورد پایش و آسیب‌شناسی قرار گیرد تا در افق‌های سیاست‌گذاری و اداره کشور، برای حل و رفع چالش‌های حادث شده برای این بنیان‌ها و عوامل چاره‌اندیشی شود. به صورت دقیق‌تر باید گفت که ترمیم نقاط ضعف و آسیب‌پذیری قدرت ملی به‌ویژه در حوزه اقتصادی، تداوم توسعه قابلیت‌های دفاعی، تقویت توانایی‌های پنج‌گانه نظام در حوزه‌های استخراجی، توزیعی، پاسخگویی، تنظیمی و نمادین، به‌ویژه در سه حوزه نخست می‌تواند ضمن جبران نقص‌های کارآمدی، بخش مهمی از فشارهای خارجی را خنثی کرده و ماندگاری نظام جمهوری اسلامی ایران را بیش از پیش تنظیم کند.

در پایان پیشنهاد می‌شود تا سایر پژوهشگران ابعاد دیگر این موضوع چون تأثیر تغییرات فرهنگی اجتماعی بر ماندگاری انقلاب اسلامی و به طور دقیق‌تر، تأثیر تغییرات نسلی بر ماندگاری انقلاب اسلامی، راهبردها و راهکارهای ماندگاری انقلاب اسلامی با وجود تغییرات نسلی در ایران، جایگاه دانش‌بنیان کردن اقتصاد در ماندگاری انقلاب اسلامی و... را مورد مذاقه علمی قرار دهند.

منابع

الف- منابع فارسی

- آلموند، گابریل، پاول، بینگهام، مونت، رابرت (۱۳۷۶)، چارچوبی نظری برای بررسی سیاست تطبیقی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- اشرفی، اکبر (۱۳۹۹)، «بررسی تأثیر نهادسازی در تثبیت نظام جمهوری اسلامی ایران از منظر رهیافت نهادی»، جامعه‌شناسی سیاسی جهان/اسلام، دوره ۸، شماره ۱، بهار و تابستان، پیاپی ۱۶، صص ۵۶-۳۲.
- برتران، بدیع (۱۳۹۳)، توسعه سیاسی، ترجمه احمد نقیب‌زاده، چاپ هفتم، تهران: قومس.
- بروجردی، مهرزاد (۱۳۷۷)، روشنفکران ایرانی و غرب، ترجمه جمشید شیرازی، تهران: فرزانه روز.

- بشیریه، حسین (۱۳۸۳)، «ایدئولوژی سیاسی و هویت اجتماعی در ایران»، در: احمدی، حمید، ایران: هویت، ملت و قومیت، تهران: مؤسسه توسعه علوم انسانی.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال (۱۳۸۸)، «امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه روابط خارجی، شماره اول.
- دلفروز، محمدتقی (۱۳۹۷)، دولت و توسعه اقتصادی (اقتصاد سیاسی توسعه در ایران و دولت‌های توسعه‌گرا)، چاپ دوم، تهران: آگاه.
- رحیمی، حسن (۱۴۰۰)، مدیریت بحران‌های سیاسی اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران: تهران: دیدمان.
- حاجی‌زاده، سیروس (۱۳۹۶)، «راهبردهای مانایی و ماندگاری انقلاب اسلامی»، پانزده خرداد، دوره سوم، سال پانزدهم، شماره ۵۴.
- حجاریان، سعید (۱۳۷۹)، جمهوری؛ افسون‌زدایی از قدرت، تهران: طرح نو.
- جمال‌زاده، ناصر، باباهادی، محمدباقر، فیضی، رضا (۱۳۹۷)، «مؤلفه‌های مانایی انقلاب اسلامی در منظومه فکری مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)»، جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره شش، شماره یک، بهار و تابستان، پیاپی ۱۲.
- هاتینگتون، ساموئل (۱۳۷۰)، سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: علم.
- شریعتی، علی (۱۳۶۱)، بازشناسی هویت ایرانی-اسلامی، تهران: دفتر نشر آثار دکتر علی شریعتی.
- شفیعی‌فر، محمد (۱۳۹۱)، «ثبات و تعادل در جمهوری اسلامی ایران»، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۲، بهار، صص ۹۱-۶۳.

- شفیعی‌فر، محمد، قربانی، مصطفی (۱۳۹۵)، «تعاملات کارآمدی و مشروعیت نظام‌های سیاسی»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال سیزدهم، زمستان، شماره ۴۷، صص ۲۰۰-۱۸۳.
- نجف‌زاده، مهدی (۱۳۹۵)، جابجایی دو انقلاب، تهران: تیسرا.
- قربانی، مصطفی (۱۳۹۵)، ماندگاری انقلاب اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری، تهران: ناد جاوید.
- قربانی، مصطفی (۱۳۹۸)، کارنامه چهل ساله انقلاب اسلامی، تهران: دفاع.
- قوام، عبدالعلی (۱۳۷۳)، سیاست‌های مقایسه‌ای، تهران: سمت.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۲)، مصدق و مبارزه برای قدرت در ایران، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: مرکز.
- یزدخواستی، بهجت، اخوان مهدوی، محسن (۱۳۹۰)، «بازخوانی انقلاب اسلامی ایران با تأکید بر راز ماندگاری و پویایی انقلاب»، مطالعات انقلاب اسلامی، دوره ۸، شماره ۲۵، صص ۳۵-۱۱.

ب- منابع لاتین

- Almond G. Powell B(1966). Comparative Politics: a Developmental Approach, Boston: Little Brown and Co.
- Cordseman, Anthony H. Harrington, Nicholas. (2018), "The Arab Gulf States and Iran: Military Spending, Modernization, and the Shifting Military Balance", at: www.csis.org, December 12.
- Easton, David(1965), A System Analysis of Political Life, New York: John Wiley.
- keshavarzian, Arang(2007), Bazar and State in Iran: The Politics of the Tehran Marketplace, Cambridge: Cambridge University Press.

- Mobus, George E, Kalton, Michael C.(2015), Principles of System Science, Springer Science: New York.
- Touraine, Alain(1983). Solidarity; Poland 1980-81, translated by David Bendy, London: Cambridge University Press.
- Vara, Shanon (2017), "The world's top cyber powers", at: www.axios.com, Aug 13.
- Wood, Dakota L. (editor)(2016), "2015 Index of U.S. Military Strength", at: www.heritage.org.